گزارش

احمد الشرع و وعده «تاریخ جدید»

اعلامیه قانون اساسی در دوران پس از اسد

احمد الشرع، رهبر سوریه، پس از لازم‌الاجراشدن اعلامیه قانون اساسی که دوره انتقالی پنج‌ساله این کشور را تنظیم و حقوق زنان و آزادی بیان را تعیین می‌کند، آغاز «تاریخ جدیدی» برای کشورش را تبریک گفت. این اعلامیه سه ماه پس از آن منتشر می‌شود که شورشیان تحت رهبری هیئت تحریرالشام، حکومت بشار اسد را سرنگون کردند و خواستار سوریه‌ای جدید و فراگیر شدند که به حقوق احترام بگذارد.

این اعلامیه پس از موج خشونت‌هایی که هفته گذشته در سواحل مدیترانه‌ای سوریه رخ داد و در آن نیروهای امنیتی نزدیک به هزارو ۵۰۰ غیرنظامی را به قتل رساندند، منتشر می‌شود. به گفته یک نهاد ناظر جنگ، بیشتر قربانیان از اقلیت علوی بودند که خانواده اسد نیز به آن تعلق دارد. الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، ابراز امیدواری کرد که اعلامیه قانون اساسی سرآغاز «تاریخ جدیدی برای سوریه باشد؛ جایی که ما ظلم را با عدالت و رنج را با رحمت جایگزین می‌کنیم». او این سند را در کاخ ریاست‌جمهوری امضا کرد. مقامات جدید پیش از این قانون اساسی دوران اسد را لغو و پارلمان را منحل کرده بودند.

این اعلامیه یک دوره انتقالی پنج‌ساله را تعیین می‌کند که در آن یک «کمیسیون عدالت انتقالی» برای «تعیین ابزارهای پاسخ‌گویی، اثبات حقایق و ارائه عدالت به قربانیان و بازماندگان» اقدامات نادرست دولت سابق تشکیل خواهد شد. به نوشته گاردین، براساس نسخه‌ای از این سند که توسط ریاست‌جمهوری منتشر شده است، «تجلیل از رژیم سابق اسد و نمادهای آن» و همچنین «انکار، تمجید، توجیه یا کم‌اهمیت جلوه‌دادن جنایات آن» ممنوع است.

عبدالحمید العواک، یکی از اعضای کمیته تدوین این سند، گفت که این قانون اساسی همچنین «حق زنان برای مشارکت در کار و آموزش و تضمین تمام حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها» را به رسمیت می‌شناسد. این اعلامیه الزام به مسلمان‌بودن رئیس‌جمهور را حفظ می‌کند و فقه اسلامی را به‌عنوان «منبع اصلی» قانون‌گذاری تعیین می‌کند. این قانون اساسی یک قدرت استثنائی منحصربه‌فرد به رئیس‌جمهور می‌دهد؛ اعلام وضعیت اضطراری. عواک افزود که مجلس مردم که یک‌سوم آن توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند، وظیفه تدوین تمام قوانین را بر عهده خواهد داشت. بر اساس این اعلامیه، قوه مقننه نمی‌تواند رئیس‌جمهور را استیضاح کند و رئیس‌جمهور نیز نمی‌تواند هیچ‌یک از قانون‌گذاران را برکنار کند. عواک گفت که قدرت اجرائی نیز در دوره انتقالی محدود به رئیس‌جمهور خواهد بود و به نیاز به «اقدام سریع برای مقابله با هرگونه مشکل» اشاره کرد. وی افزود که این اعلامیه بر استقلال قوه قضائیه تأکید دارد. حاکمان سوریه ادعا کرده‌اند که جدایی قوا و استقلال قضائی در این متن گنجانده شده و حقوق زنان، آزادی بیان و رسانه‌ها نیز تضمین شده است. شرع که با نام قبلی خود، ابومحمد الجولانی، رهبری گروه اسلام‌گرای هیئت تحریرالشام (HTS) را بر عهده داشت که پیشتاز سرنگونی اسد بود، در اواخر ژانویه به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت منصوب شد. او قول داد اعلامیه قانون اساسی را به‌عنوان «مرجع قانونی» در دوره انتقالی صادر کند. یک «مجمع مردمی» در زمینه قانون‌گذاری مسئولیت کامل خواهد داشت. دوسوم اعضای این مجلس را کمیته‌ای منصوب خواهد کرد که رئیس‌جمهور انتخاب کرده و یک‌سوم اعضا را خود رئیس‌جمهور انتخاب می‌کند. یک کمیته هم برای تدوین یک قانون اساسی دائمی تشکیل خواهد شد. دولت تحت رهبری کردها در شمال شرقی سوریه، به‌شدت از این اعلامیه انتقاد کرد و گفت که «با واقعیت سوریه و تنوع آن مغایرت دارد».

در اوایل این هفته، نیروهای دموکراتیک سوریه -ارتش بالفعل دولت تحت رهبری کردها- با مقامات دمشق برای ادغام در نهادهای دولتی به توافق رسیدند. اما این دولت اعلام کرد این اعلامیه «نشان‌دهنده آرمان‌های مردم ما نیست» و «تلاش‌ها برای دستیابی به دموکراسی واقعی را تضعیف می‌کند». در متن این اعلامیه آمده است: «فراخوان برای تجزیه و جدایی‌طلبی، درخواست مداخله خارجی یا تکیه بر قدرت‌های خارجی، جرم تلقی می‌شود»؛ بدون ارائه جزئیات مشخص. بااین‌حال، افزوده شده است که دولت «تلاش می‌کند با کشورهای و نهادهای مربوطه برای حمایت از روند بازسازی هماهنگی کند». یک سخنگوی سازمان ملل به نقل از گیر پدرسن، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، گفت که «امیدوار است این اعلامیه [قانون اساسی] بتواند چارچوب قانونی محکمی برای یک گذار سیاسی واقعا معتبر و فراگیر باشد» و افزود «اجرای صحیح آن کلیدی خواهد بود». این اعلامیه یک هفته پس از موج مرگبار خشونت در سواحل سوریه منتشر می‌شود؛ رویدادی که تحلیلگران آن را جدی‌ترین تهدید تاکنون برای روند انتقالی توصیف کرده‌اند. کشتارهای جمعی عمدتا علوی‌ها را هدف قرار داد و براساس گزارش دیدبان حقوق بشر سوریه، دست‌کم هزارو ۴۷۶ غیرنظامی در اثر اقدامات نیروهای امنیتی و متحدان آنها کشته شدند. الشرع وعده داده است عاملان این خونریزی را تحت پیگرد قانونی قرار دهد و مقامات از دستگیری چند نفر خبر داده‌اند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز گفت هیچ چیز نمی‌تواند کشتار غیرنظامیان را توجیه کند و هشدار داد که «آینده روشن‌تری که سوریه مستحق آن است» در خطر است.

زنگ خطر برای نظام بین‌الملل

حمیدرضا اکبرپور*

تقابل ترامپ و جی‌دی ونس در دیدار با زلنسکی در اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید، بیش‌ازپیش زنگ خطر را برای نظام بین‌المللی مستقر و سازوکارهای آن به صدا درآورد. در تقابلی که خارج از عرف بین‌الملل بود، ناگهان بیننده این صحنه‌ها را به دوران قبل از جنگ جهانی دوم و حتی قبل‌تر پرتاب کرد. این در حالی است که بعد از گذشت قرون متمادی که منافع و علایق کشورها به‌عنوان پیشران بی‌قیدوشرط اقدامات آنها در صحنه بین‌المللی بود، با شکل‌گیری پیمان وستفالی، سپس کنگره وین و در نهایت تشکیل سازمان ملل، اقدام نامحدود براساس این علایق و اراده یک‌جانبه کشورها، روزبه‌روز محدودتر شده بود. ترامپ که در دور نخست ریاست‌جمهوری خود، شمه‌ای از اقدامات ضدساختاری خود را به نمایش گذاشته بود، این بار و در دور دوم ریاست‌جمهوری به نظر می‌رسد با جسارت بیشتر و محافظه‌کاری کمتر سعی دارد بیخ و بن نظم بین‌المللی حاکم و ساختار و سازکارهای آن را دچار تحول کند. خروج از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فراگیر جهانی نظیر سازمان بهداشت جهانی و شورای حقوق بشر، نقض بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌المللی حاکم بر روابط بین‌الملل نظیر اصل وفای به عهد (Pacta sunt servanda) که دارای بالاترین مرتبه در سلسله‌مراتب اصول منبعث از حقوق بین‌الملل است و همچنین تهدید اصل تمامیت ارضی یا یکپارچگی سرزمینی (Territorial Integrity) برخی کشورها نظیر کانادا از مصادیق بارز این رویکرد است. این رویکرد ترامپ می‌تواند بسیار پررنگ‌تر شود و مشکلات بزرگ‌تر و دشوارتری نیز برای نظم حاکم در عرصه بین‌الملل ایجاد کند. ایالات متحده به‌عنوان یکی از دو اَبَرقدرت بعد از جنگ جهانی اگرچه در بُعد نظامی و سیاسی پیوسته با بلوک شرق گلاویز بود، اما قریب به اتفاق ساختارها و سازوکارهای بین‌المللی در نظم جهانی پساجنگ جهانی دوم، ماحصل همکاری و راهبری ایالات متحده بوده است. بسیاری از کنوانسیون‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و روندهای بین‌المللی با خواست و قدرت ایالات متحده به پیش رفته است. اما اکنون ترامپ، تبر به دست در حال تیشه‌زدن به ریشه این نظمی است که ماحصل هژمونی ایالات متحده بوده است.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد به سمت نوعی هرج‌ومرج موقت در نظام بین‌المللی خواهیم رفت. بسیاری از اصول و قواعد بین‌الملل حتی در سطوح قواعد آمره (jus cogens) و تعهدات عام‌الشمول (Erga omnes) نیز نادیده گرفته خواهد شد. این هرج‌ومرج موقت در صورت ایستادگی‌نکردن دو قطب دیگر جهان یعنی چین و اتحادیه اروپا که قابلیت بازیگری فعال دارند، به هرج‌ومرجی دائمی بدل خواهد شد؛ هرج‌ومرجی که یادآور مفهوم قانون جنگل است. هرچند برخی وقایع امروزه نیز از مصادیق این مفهوم است، اما بی‌شک نمی‌توان منکر شد که با گذشت هشت دهه از تشکیل سازمان ملل متحد، حقوق بین‌الملل روزبه‌روز پیشروی کرده است و تا حدودی افسار بی‌قانونی و توسل به زور غیرقانونی را مهار کرده است. با شل‌شدن این افسار و تضعیف ساختار و نهادهای بین‌المللی از طرف دولت ترامپ و استفاده از ابزارهایی مانند تحریم و تعرفه، باید دید چین و اتحادیه اروپا تا به کجا از نظم برکشیده از پساجنگ جهانی دوم حمایت خواهند کرد.

دراین‌میان وضعیت کشوری مانند ایران بسیار مبهم است؛ چراکه در زمینه نظم کنونی به‌عنوان کشوری متمرد شناخته شده است و نظم نوخواسته جدید نیز از طرف دولت‌هایی دنبال می‌شود که یا در تقابل حداکثری با ایران هستند یا بی‌اعتمادی مضاعفی مابین آنها و ایران جاری است. این وضعیت پیچیده بیانگر نوعی تنهایی ایران است که به مفهوم تنهایی استراتژیک ایران نزدیک است. به نظر می‌رسد خروج از این وضعیت، جز از طریق رصد لحظه به لحظه تحولات جهانی و تحلیل هدفمند آن و در نهایت تعیین رویکرد مشخص، ممکن نیست. رویکردی که در عین چابکی، انسجام بالایی را دربر داشته باشد. در این صورت است که می‌توان به قول برخی نظریه‌پردازان به دنبال ثبات و توسعه با زندگی در میان شکاف‌های موجود در عرصه بین‌الملل بود.

ملزومات این رویکرد، تعامل پیوسته با جامعه بین‌المللی و افزایش گستره نفوذ در افکار عمومی است. ابزارهای پیشران نیز تقویت دیپلماسی اقناعی و عمومی در زمینه تقویت سازمان‌های بین‌المللی است تا از این طریق بتوان ضربه‌پذیری ایران را به بالاترین حد و صدمات ناشی از اصطکاک‌ها در سطح بین‌المللی را به پایین حد ممکن رساند.

*** دکترای حقوق بین‌الملل عمومی**
پژوهشگر میهمان پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اصل ۱۵ بر نیزه قوم‌گرایی

مصطفی نصیری

به گزارش خبرگزاری ایلنا، همایشی با نام «همبستگی ملی و اصل ۱۵ قانون اساسی» با حضور برخی مقامات دولتی برگزار شده که سخنان دستیار ویژه رئیس‌جمهور و استاندار آذربایجان شرقی در نوع خود تأسف‌برانگیز است.

سیدمحمود علوی که برای هشت سال وزیر اطلاعات بوده و درحال‌حاضر دستیار ویژه رئیس‌جمهور هستند، در سخنان خود با اشاره به اینکه طلبه‌ای هستند که سروکارشان با قرآن و عبادات است، وارد یک بحث تخصصی بیگانه با دروس طلبگی شده و در نتیجه، نظری کاملا نادرست داده که بر مبنای آن، هیچ زبانی متمایز از زبانی دیگر نبوده و در نتیجه، زبان فارسی نه تمایزی با بقیه زبان‌های ایرانی دارد و نه هیچ‌گاه زبان یک ملت بوده است! در نادرستی نظریه زبانی آقای وزیر پیشین اطلاعات، همین بس که در سنت اسلامی، زبان عربی با التفات به زبان دینی بودن، واجد فضیلت‌های غیرقابل مقایسه با بقیه زبان‌هاست. آقای علوی در زیّ یک روحانی، به این دلیل فضیلت زبان عربی را انکار می‌کند که یا با سنت شرعی آشنایی ندارد یا اینکه تعمدا می‌خواهد زبان فارسی را در ردیف بقیه زبان‌ها قرار داده و به این وسیله از آن اعتبارزدایی ملی بکند. درست است که زبان بماهو زبان، ابزار مفاهمه است و از این نظر هیچ زبانی بر دیگری رجحانی ندارد، اما زبان فارسی به دلیل نقشی که ایفا کرده و همچنان ایفا می‌کند، نباید در ردیف بقیه زبان‌ها قرار بگیرد. نخست اینکه زبان فارسی، ظرف تمدن ایرانی-اسلامی بوده و از این رهگذر همواره در تاریخ دوره اسلامی، زبان رسمی و ملی ایرانیان بوده است. ادعای آقای علوی مبنی بر اینکه زبان فارسی هیچ‌گاه زبان یک ملت نبوده، نشان می‌دهد که او به‌عنوان وزیر پیشین اطلاعات، برگی از تاریخ ایران را نمی‌داند. دوم اینکه زبان فارسی در کنار نقش تمدنی و تاریخی و رسمی-دیوانی خود، زبان آیینی هم بوده است؛ یعنی دین اسلام، با زبان عربی وارد ایران شد، اما با زبان فارسی در پیرامون ایران گسترش یافت، بنابراین نباید تفاوت و تمایز زبان فارسی با بقیه زبان‌ها را نادیده گرفت. اعتراف به این تمایز هم برخاسته از انگیزه‌های ناسیونالیستی نیست، بلکه دیدن یک واقعیت تاریخی است.

اما تأسف‌برانگیزتر از اظهارات آقای علوی، اظهارات استاندار آذربایجان شرقی است که ظاهرا حامل مدرک دکترا در رشته علم سیاست بوده و به گفته خودشان از سال ۱۳۷۰ درباره مسائل فرهنگی و قومی در حال پژوهش است. ایشان مدعی است که از سال ۱۳۷۰ «پیش‌بینی کردم که با کثرت‌های فرهنگی روبه‌رو هستیم و اگر حاکمیت این موارد را نپذیرد، آنجاست که تجزیه‌طلبی خطرناک مطرح می‌شود». محتوای مدعای آقای بهرام سرمست، غیرمستقیم حکایت از آن دارد که حاکمیت، کثرت‌های فرهنگی را ندیده، بنابراین اینک طرح تجزیه‌طلبی، امری ناگزیر و مشروع است!

استاندار آذربایجان شرقی در فراز دیگری از سخنان خود گفته است: «آذربایجان نه به اعتبار زبان بلکه به اعتبار مذهب با ایران پیوند پیدا کرده است». این سخنان از زبان یک استاندار مدعی پژوهش، واقعا حیرت‌زاست. نخست اینکه آیا ایشان می‌تواند حتی یک سند ارائه بدهد که آذربایجان در این سه هزاره اخیر، حتی برای یک روز، بخشی از کشور ایران نبوده است؟ برای نمونه، فقط یک سند از دولتشاه سمرقندی در قرن نهم هجری ارائه می‌دهم که تبریز را «از ممالک معتبر ایران‌زمین» شمرده و بالاتر از او، اولیای چلبی در قرون دهم و یازدهم هجری، زبان مردم تبریز را فارسی معرفی کرده است. وقتی آذربایجان همواره بخشی از ایران و تا ۴۰۰ سال قبل فارسی‌زبان بوده، در این صورت چه فرقی می‌کند که پیوند آن با ایران، از نظر زبان بوده یا مذهب؟! هرچند آقای سرمست اگر سری به مقبره‌الشعرای تبریز بزنند و ادای احترامی به مزار نزدیک به ۴۰۰ شاعر پارسی‌سرای در این مقبره بکنند و این حقیقت را هم در پژوهش‌های خود وارد کنند که اولین مکتب و مدرسه ادبی شعر فارسی از آذربایجان نشئت گرفته است، آن‌گاه درمی‌یابد که از قضا پیوند آذربایجان با ایران، بیش از هر چیزی، زبانی است. اما آیا ایشان برای لحظه‌ای فکر نکرده است که بر مبنای استدلال عجیب او، هم‌وطنان غیرشیعه با زبان محلی غیرفارسی، پیوندی با ایران نخواهند داشت؟! همچنین در سال‌های اخیر بسیار می‌شنویم که کردها در آذربایجان میهمان -و نه صاحبخانه- هستند. لازم می‌دانم درباره ساکنان اصلی آذربایجان در هزاره اخیر هم تنها یک سند تاریخی ارائه کنم. ابن‌عبری (متوفای قرن هفتم هجری در مراغه) در کتاب معروف خود به نام تاریخ‌الزمان، ضمن توضیح چگونگی ورود ترکان سلجوقی از «أرض توران الترکیة» به «ارض ایران الفارسیة» در صفحه ۸۹ نوشته‌اند: «در سال ۴۲۹ هجری، غُزها برای چندمین بار به ارمنستان یورش برده و جمعیت زیادی از کُردها و عرب‌های آنجا را کشته و غنائم بی‌شماری به چنگ آوردند. آنها سپس به سمت ارومیه در آذربایجان پیشروی کرده و با کردها در آنجا جنگیدند و در نتیجه، بر کردها پیروز شده و شمار زیادی از آنها را کشتند». هرچند نمونه‌های زیادی را می‌توان از منابع تاریخی متقن بیرون کشید و ارائه داد، اما واقعیت این است که فارغ از منابع تاریخی، هر ایرانی به‌عنوان عضوی از ملت ایران، در هیچ کجای کشور، «میهمان» نیست. هر میلی‌متر از ایران، متعلق به همه ایرانیان است و به همین دلیل هیچ نیازی به کاوش در متون تاریخی نیست که چه کسی یا کسانی در کجا ساکن بوده‌اند و الان کجا هستند. هرکسی در ایران، به صرف ایرانی‌بودن، صاحب همه حقوق در همه جای کشور است. ایران و نظام شهروندی آن، حقوق قومی و قبیله‌ای ندارد. میهن در ایران، تنها یک صورت ملی دارد که شامل همه جای ایران است. استان‌ها و شهرها، تنها ویژگی «زادگاهی» دارند، وگرنه همه حقوق، ملی است.

اما نکته تأسف‌بارتر در سخنان بهرام سرمست، تلاش برای تشخُص‌دادن به «فرهنگ‌ها» به‌مثابه کثرت‌ها در برابر «فرهنگ ملی» و انکار «فرهنگ مشترک و ملی ایرانی» است. متأسفانه عموما جریان قوم‌گرا تلاش می‌کند برای آذربایجان، زبان و فرهنگی علی‌حده و متمایز از زبان و فرهنگ ایرانی «دست‌وپا» کند و آذربایجان را تنها وطن مألوف «تُرکان» جا بزند که زبان و فرهنگی، متمایز از ایران دارند! اگر عناصر اصلی یک فرهنگ، مانند جشن‌ها، موسیقی، رقص، لباس، غذا و مراسم‌های آیینی را در نظر بگیریم، هیچ تمایزی میان آذربایجان‌های شرقی و غربی و کردستان، خراسان، سیستان و... نیست. نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری و سیزده‌بدر به‌عنوان جشن‌های ملی، معماری و آیین‌های مربوط به عروسی و سبک عزاداری‌های آیینی و خانوادگی، با اندکی تغییرات جزئی، یکسان هستند. شاکله نغمه‌ها و نواهای موسیقی، نه‌تنها در ایران، بلکه در جهان وسیع اسلام، ایرانی است. جریان قوم‌گرا هر چقدر هم بکوشد، نمی‌تواند رقص و لباس گرجی را به‌عنوان رقص و لباس آذربایجانی معرفی کند. هیچ سندی برای اثبات رواج رقص و لباس گرجی در آذربایجان وجود ندارد. عکس‌های به یادگار مانده از مشروطه‌طلبان سراسر کشور، نشان می‌دهد همه آنها دارای لباس مشترکی بوده‌اند. از نظر لباس به مقاله ارزشمند خانم جینی هازگو با نام «لباس ایرانیان در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری» ارجاع می‌دهم که با بررسی دقیق توصیفات و نقاشی‌های جهانگردان در دو سده یادشده، نشان داده است که موضوع لباس در سراسر ایران دوره ایلخانی و صفوی، از نظر جنس و بافت پارچه، ارکان، دوخت و تزیینات و... دارای وحدت فرهنگی است. از نظر نظام غذایی، در سراسر ایران، علاوه بر اینکه عمده غذاها یکسان است، ذائقه مشترکی شکل گرفته است. «کثرت‌ها» در دیالکتیک «وحدت وحدت‌وکثرت» فردی است، نه قومی و زبانی که برخلاف تصور آقای استاندار، در ایران مبنایی به نام مبنای قومی و زبانی، برای حقوق شهروندی نیست.

در پایان متذکر می‌شوم که دولت با التفات به سیاق قانون اساسی، مسئولیتی برای آموزش زبان‌های محلی و تخصیص بودجه برای آنها را در وضعیت وخیم فعلی ندارد؛ زیرا در شرایطی که به اقرارهای متعدد رئیس‌جمهور، دولت قادر به پرداخت حقوق کارمندانش نیست، پرداختن به آموزش زبان‌های محلی از اولویتی برخوردار نیست. از این نظر پرداختن به اصل ۱۵ قانون اساسی و تفسیرهای حداکثری از آن، اولویت ندارد که سالانه هزاران عنوان کتاب و روزانه صدها روزنامه و مجله کاغذی به زبان‌های محلی منتشر می‌شود و نیز هزاران درگاه اینترنتی در زمینه‌های مختلف مربوط به این زبان‌ها فعالیت دارند و در کنار همه آنها، در همه استان‌ها، شبکه‌های صوتی و تصویری دولتی، شبانه‌روز به زبان‌های یادشده برنامه پخش می‌کنند.

همچنین آموزش زبان‌های محلی و ادبیات آنها، پرونده‌ای ملی است که اجرای آن باید همه زبان‌های محلی پرشمار در سراسر ایران را هم‌زمان دربر گیرد. قرار نیست درباره هر استان، تصمیم‌گیری محلی شود. حال پرسش این است که استاندار آذربایجان شرقی با کدام صلاحیت برای چندین استان دیگر نسخه می‌پیچد؟!

گزارش

ادامه جنگ در اوکراین و ابهام در آتش‌بس

در حالی که مذاکرات برای دستیابی به یک آتش‌بس میان روسیه و اوکراین با میانجیگری ایالات متحده در جریان است، درگیری‌های هوایی میان دو کشور بی‌وقفه ادامه دارد. حملات هوایی روز گذشته از سوی دو طرف تلفاتی انسانی و خسارات مادی به همراه داشته است. این حملات در شرایطی شدت گرفته که سرنوشت آتش‌بس پیشنهادی برای خاتمه‌دادن به جنگ سه‌ساله میان مسکو و کی‌یف همچنان نامعلوم است.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، اعلام کرده از پیشنهاد واشنگتن برای آتش‌بس ۳۰روزه حمایت می‌کند، اما در عین حال تصریح کرده که نیروهای نظامی روسیه تا زمانی که شروط مشخصی تعیین نشود، به عملیات خود ادامه می‌دهند.

از زمان این اظهارات، هر دو کشور حملات هوایی سنگینی انجام داده‌اند. روسیه نیز به پیشروی در مناطقی که اخیرا در غرب کورسک تصرف کرده بود، نزدیک‌تر شده است.

به گزارش رویترز، وزارت دفاع روسیه گزارش داد سامانه‌های پدافند هوایی این کشور ۳۱ پهپاد اوکراینی را بر فراز خاک روسیه منهدم کرده‌اند.

در سوی دیگر، مقامات اوکراین اعلام کردند چندین حمله پهپادی از سوی نیروهای روسیه، ازجمله در منطقه شمالی چرنیهیف، رخ داده است. یکی از این حملات به یک مجتمع مسکونی برخورد کرده و باعث وقوع آتش‌سوزی شده است.

نیروی هوایی اوکراین با انتشار هشدارهایی درباره احتمال حملات پهپادی به کی‌یف و مناطق مرکزی کشور، به مردم اطلاع داد. رسانه‌های اوکراینی نیز از حملاتی در اطراف کی‌یف خبر دادند، اما گزارشی درباره میزان تلفات این حملات منتشر نشده است.

از سوی دیگر، ترامپ اظهار کرده که «نشانه‌های مثبتی» از سوی روسیه دریافت کرده و با احتیاط خوشبینانه به پیشنهادات پوتین واکنش نشان داده است. او تأکید کرده که آماده گفت‌وگوی مستقیم با پوتین است و معتقد است اکنون زمان پایان‌دادن به جنگ فرارسیده. با این حال، ترامپ تهدید کرده در صورت همکاری‌نکردن روسیه در تلاش‌های صلح، تحریم‌های بیشتری اعمال خواهد کرد.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، اعلام کرد که دولت ترامپ آماده است فشار دیپلماتیک را بر هر دو طرف جنگ افزایش دهد.

ولودیمیر زلنسکی نیز درباره مذاکرات جده اظهارنظر کرد. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت کشورهای حامی اوکراین پیشرفت‌های حاصل‌شده در مذاکرات جده را تأیید کرده‌اند و اگر روسیه مایل به پذیرش آتش‌بس باشد، باید آمادگی خود برای پایان‌دادن به جنگ را نشان دهد؛ در غیر این صورت، نیت واقعی مسکو برای ادامه جنگ آشکار خواهد شد.

اولاف شولتس، صدراعظم آلمان نیز از روسیه خواست پس از سه سال جنگ برای دستیابی به یک صلح عادلانه تلاش کند. او اضافه کرد اکنون وظیفه روسیه است تا تجاوزات روزانه علیه شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را پایان داده و راه را برای صلح پایدار باز کند.

کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا نیز به ولادیمیر پوتین هشدار داد از بازی با آتش‌بس پیشنهادی دست بکشد. استارمر، پوتین را متهم کرد تلاش‌ها برای رسیدن به آتش‌بس را جدی نمی‌گیرد و فقط در حال وقت‌کشی است.

در سوی دیگر جورجا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا نیز اعلام کرد کشورش برنامه‌ای برای اعزام نیرو به اوکراین ندارد. در بیانیه دولت ایتالیا آمده است: «نخست‌وزیر تأیید کرد که ایتالیا قصد دارد همچنان با شرکای اروپایی و غربی و ایالات متحده همکاری کند تا به راهکارهای امنیتی مؤثر و قابل اعتماد دست یابد». ملونی همچنین تأکید کرد: «اعزام نیروهای ایتالیایی به اوکراین در برنامه‌های دولت نیست».

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۵۸۷ مورخ ۱۴۰۳.۱۱.۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم مریم ساقی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۳۲۱ صادره از شهر ری در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۹ متر مربع پلاک ۱۷۲۶۹ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۵۵ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای رحمن میرزاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۷۲۷۶ اداره ثبت اسناد و املاک یافت آباد (تهران)

آگهی تغییرات **شرکت سهامی خاص آذر برق برنا** به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۷۹۱۰۴ و به شماره ثبت ۵۲۴۲۴۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۳.۱۱.۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد خانم افسانه اینانلو به شماره ملی ۰۰۵۷۹۴۳۰۹۵ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی آقای مجید صادقی نیا به شماره ملی ۰۰۷۰۹۳۷۴۳۵ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار شرق جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۸۹۹۰۱۲)

آگهی دعوت به مجمع عمومی نوبت اول انجمن علمی پریناتولوژی ایران به شماره ثبت ۱۹۰۳۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۲۶۷۰
احتراماً بدین وسیله از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی عادی نوبت اول که روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ که از ساعت ۱۲.۳۰ الی ۱۳.۳۰ به آدرس تهران، خیابان ولیعصر جنب پارک ملت هتل قلب بیمارستان رجائی برگزار می گردد، شرکت فرمایند.
دستور جلسه: ۱- استماع و اتخاذ تصمیم درخصوص گزارش عملکرد هیئت مدیره مربوط به فروردین ۱۴۰۳ لغایت اسفند ۱۴۰۳ ۲-استماع و اتخاذ تصمیم درخصوص گزارش بازرسی مربوط به فروردین ۱۴۰۳ لغایت اسفند ۱۴۰۳ ۳- تغییر میزان حق عضویت سالیانه ۴- سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی است.
هیات مدیره انجمن علمی پریناتولوژی ایران

آگهی تبدیل وضعیت دفتر خدمات مسافرت هوایی (نوبت اول)
نظر به اینکه پروانه فعالیت دفتر خدمات مسافرت هوایی پایا گشت تهران در شهر تهران با صاحب امتیازی خانم مارال ضیائی در شرف تبدیل وضعیت دفتر از حقیقی به حقوقی می‌باشد؛ از کسانیکه از دفتر مذکور ادعا و یا شکایتی دارند دعوت می‌گردد مراتب را در نهایت بمدت دو ماه از تاریخ این آگهی بطور کتبی به سازمان هواپیمائی کشوری – دفتر نظارت بر شرکتهای حمل و نقل هوایی و امور فرودگاهها اعلام نمایند.
دفتر خدمات مسافرت هوایی پایا گشت تهران